

بازنگری در جایگاه شهر یزد در دوران صدر اسلام با تکیه بر اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی

محمد مرتضایی

عضو هیأت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی
m_mortezayi2008@yahoo.com

سید فضل‌الله میردهقان اشکذری

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۲۶
(از ص ۱۵۹ تا ۱۷۴)

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائلی که درباره شهر یزد در دوران صدر اسلام وجود دارد، سکوت منابع جغرافیایی و تاریخی درباره این شهر است؛ زیرا زمانی که متون به ناحیه یزد می‌پردازند، از شهرهای نایب، کثه، میبد و فهرج به‌عنوان چهار شهر مهم این ناحیه نام می‌برند که دارای مسجد جامع بوده‌اند، ولی هیچ‌گونه اشاره‌ای به شهر یزد ندارند. همین امر باعث شده است تا اکثر محققین شهر کثه را همان شهر یزد بدانند که به مرور زمان جای خود را به یزد داده است. اولین سؤال مطرح‌شده در این مقاله این است که آیا می‌توان با مطالعه متون جغرافیایی به موجودیت شهر یزد پی برد؟ سؤال دیگر این است که آیا می‌توان شهر کثه را همان شهر یزد دانست؟ با مطالعه دقیق متون جغرافیایی می‌توانیم به نشانه‌هایی از وجود این شهر در دوران صدر اسلام دست‌یابیم، اگرچه آن‌ها به صراحت به این شهر اشاره نمی‌کنند. در این متون از شهری صحبت می‌کنند که در حومه کثه قرار داشته و از روستایی که موقعیت کوهستانی و معادن سرب داشت، رودی خارج می‌شد و از کنار آن عبور می‌کرد. با تطبیق توصیفات جغرافیدانان با شرایط جغرافیایی دشت یزد - اردکان می‌توان شهر توصیف‌شده را شهر یزد و روستای مذکور را شهر امروزی تفت دانست. همچنین متون تاریخ محلی نیز به موجودیت شهر یزد اذعان داشته و شکل‌گیری برخی از محلات آن را به دوران صدر اسلام نسبت می‌دهند. در حفاری‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته نیز آثاری از سفالینه‌های لعاب‌پاشیده و اسگرافیاتو به‌دست آمد که قابل مقایسه با داده‌های برخی از مراکز پیرامونی یزد مانند غیرا است که به قرون سه تا پنج هجری قمری تعلق دارد. در نتیجه با توجه به اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی، می‌توان به موجودیت شهر یزد در دوران صدر اسلام پی برد. متون جغرافیایی شهر کثه را نیز متشکل از روستاهای مختلفی می‌دانند که شهر یزد در حومه آن قرار داشت. بنابراین نمی‌توان کثه را همان شهر یزد دانست و شاید بتوان آن را با دهستان امروزی رستاق تطبیق داد که از همان ابتدا از روستاهای گوناگون تشکیل شده بود.

کلیدواژه‌گان: شهر یزد، کثه، متون محلی، متون جغرافیایی، داده‌های باستان‌شناسی.

مقدمه

شهر یزد امروزه مرکز استان یزد است که در مختصات جغرافیایی: $۵۴^{\circ} ۹'$ تا $۵۴^{\circ} ۵۰'$ طول شرقی و $۳۱^{\circ} ۳۹'$ تا $۳۲^{\circ} ۳۱'$ عرض شمالی قرار گرفته است. این شهر دارای یکی از منسجم‌ترین بافت‌های تاریخی ایران است که مساحتی در حدود ۷۰۰ هکتار را شامل می‌شود و آثار زیادی از دوره‌های مختلف تاریخی را در خود جای داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به: زندان اسکندر، قبه دوازده امام، بقعه سید رکن الدین و مسجد جامع کبیر اشاره کرد.

شهر مذکور در دوران حکومت‌های محلی مانند: آل کاکویه (۵۳۶ - ۴۳۳ هـ.ق)، اتابکان (۷۱۸ - ۵۳۶ هـ.ق) و آل مظفر (۷۹۵ - ۷۱۸ هـ.ق) به‌عنوان پایتخت انتخاب می‌شود و حکام هر یک از این حکومت‌ها نیز در آبادانی این شهر تلاش‌های زیادی کردند که شرح آن‌ها در تواریخ محلی یزد ذکر شده است. همین امر باعث شده تقریباً از قرن پنجم هـ.ق تصویر روشنی را از وضعیت این شهر و نواحی اطراف آن داشته باشیم. اما نکته مهم درباره آن، موجودیت این شهر در قرون اولیه اسلام تا قرن پنجم هـ.ق است که نه متون محلی یزد تصویر درستی را ارائه می‌کنند و نه متون جغرافیایی به صراحت به این شهر اشاره دارند. همین امر باعث شده است تا محققین مختلف در برداشت‌های خود از این متون دچار اشتباه شده و گذشته این شهر را با یکی از شهرهای دیگری که در ناحیه یزد وجود داشته است، خلط کنند. این مقاله با رویکردی توصیفی - تاریخی - تحلیلی، به بازخوانی متون جغرافیایی پرداخته و توصیفات متون از ناحیه را مورد بررسی قرار داده و از داده‌های باستان‌شناسی که در گمانه‌زنی‌های بافت تاریخی شهر یزد به‌دست آمده استفاده شده است.

سوالات و فرضیات

یکی از مهم‌ترین سوالات مطرح‌شده در این مقاله این است که آیا می‌توان براساس متون جغرافیایی صدر اسلام، برای شهر یزد جایگاهی مستقل در نظر گرفت؟ ناحیه یزد یکی از مهم‌ترین نواحی تشکیل‌دهنده کوره فارس بوده است که خود از چهار شهر مهم: نایین، میبد، کثه و فهرج تشکیل شده بود، این چهار شهر دارای مسجد جامع منبردار بودند که در جای خود دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشند، اما از یزد که در دوره‌های بعد مهم‌ترین شهر این ناحیه بوده و حکومت‌های محلی نیز آن را به‌عنوان پایتخت برای خود انتخاب می‌کردند، به‌طور مستقیم اشاره‌ای نمی‌کنند. همین امر باعث شده است تا محققین در بازسازی جغرافیای تاریخی شهر یزد شهر کثه را همان شهر یزد بدانند که بعداً یزد جایگزین کثه شود؛ اما با مطالعه دقیق‌تر متون جغرافیایی و تطبیق توصیفات آنان با ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، می‌توانیم نشانه‌هایی از وجود شهر یزد را بیابیم که به‌صورت کاملاً مستقل از شهر کثه به حیات و موجودیت خود ادامه می‌دهد.

سوال دیگر این است که آیا می‌توان کثه را یک شهر، با تعریفی که ما می‌شناسیم، بدانیم یا این که از روستاهای مختلفی تشکیل شده که مجموعه آن‌ها شهر کثه را تشکیل می‌دادند؟ با مطالعه متون جغرافیایی درمی‌یابیم که آن‌ها در

توصیف شهر کثه، به روستاهای زیادی اشاره دارند که مجموعه آن‌ها شهر کثه را شکل می‌دهد و این شهر، واحدی مستقل به نوعی که امروزه ما می‌شناسیم، نبوده است. همین امر باعث می‌شود که شهر یزد را از شهر کثه، که برای اولین بار اصطخری از این لفظ استفاده کرده است، کاملاً مستقل بدانیم و کثه را نیز واحدی متشکل از روستاهای مختلف قلمداد کنیم.

پیشینه تحقیقات

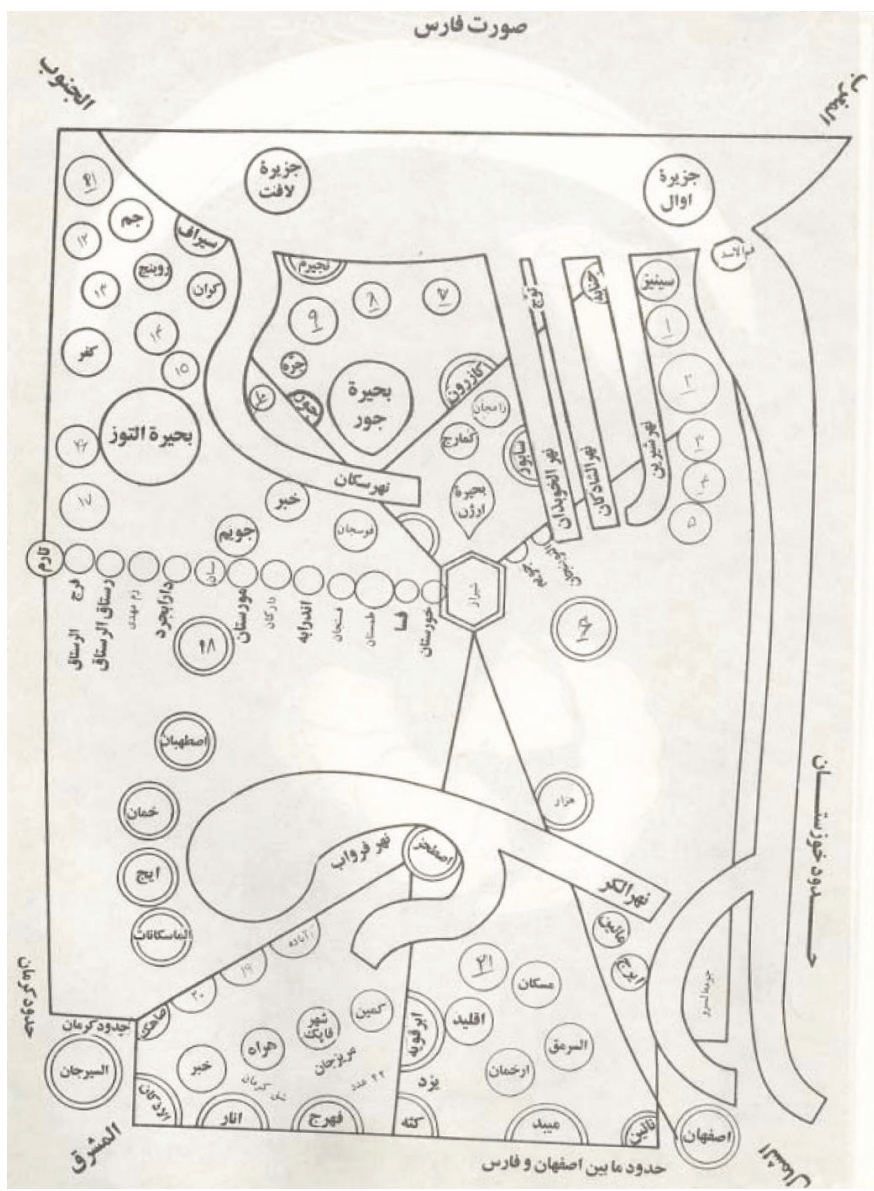
درباره شهر یزد، تاکنون تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است و بیشتر محققین در بازسازی جغرافیای تاریخی این ناحیه به صورت خلاصه و گذرا به این مسئله پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

از اولین کسانی که به موضوع یزد پرداخته و به صورت مختصر به جغرافیای تاریخی آن اشاره دارد، "بارتولد" است که یزد را همان کثه دانسته و درین باره چنین آورده است: «شهر یزد به نام کثه هم خوانده می‌شد...» (۱۳۵۸: ۱۸۴) بعد از وی، "لسترنج" به این موضوع اما کمی مفصل‌تر اشاره می‌کند: «یزد در زمان قدیم کثه نام داشت و چون نام یزد به شهر گذارده شد، نام کثه را به ولایت یزد اطلاق کردند و به آن حومه یا جومه می‌گفتند» (۱۳۸۶: ۳۰۶). اگرچه وی در ادامه توضیحاتی را که درباره این شهر ارائه می‌کند، درباره شهر یزد است که در متون جغرافیایی مانند اصطخری ذکر شده، ولی با این وجود اشتباهی که وی مرتکب شده، خلط کردن شهر یزد با کثه است چراکه این دو شهر از همان ابتدا از یکدیگر مجزا بوده‌اند.

"پاول شواتس" کثه را نام قدیمی مرکز یزد دانسته که امروزه به نام یزد خوانده می‌شود و توصیفاتش که درباره این شهر بیان می‌کند با شهر یزد منطبق است (۱۳۷۲: ۴۴). خانم "لبمتون" نیز معتقد است که این شهر در دوره خلافت عباسی تحت نام کثه جزئی از ولایت فارس بوده که بعد از حمله مغولان جزئی از ایالت جبال می‌شود (Bosworth, 2007: 557). ایرج افشار و آیتی معتقدند محله امروزی کثویه همان کثه است که در متون جغرافیایی و محلی از آن یاد شده است (افشار ج ۲، ۱۳۷۴: ۵۷ و آیتی، ۱۳۱۷: ۳۰). اگرچه این فرض می‌تواند صحیح باشد ولی اثبات آن مستلزم گمانه‌زنی و لایه‌نگاری این محله تاریخی است.

شهر یزد در متون جغرافیایی

شهر یزد، به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود، در مسیر یکی از راه‌های کاروانی ایران قرار داشته است که شهرهایی مانند: ری و کاشان را به کرمان و مناطق جنوب شرقی ایران متصل می‌کرد، در برخی از متون با نام راه ری به کرمان از آن یاد شده است (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۸۸). این راه در مسیر خود شاخه‌هایی نیز داشته است که راهی که به سمت خراسان می‌رفت، یکی از این شاخه‌ها بوده است. همین امر باعث شده بود تا این شهر را به عنوان یکی از منازل بین راهی راه خراسان بدانند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۶). اگرچه یعقوبی نیز به یزد اشاره داشته و آن را یکی از ایالات فارس می‌داند که منظور وی می‌تواند ناحیه یزد باشد نه شهر یزد (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۵۰)، (نقشه ۱).



نقشه ۱: ایالت فارس (اصطخری)، ۱۳۷۳: ۹۱.

اما از قرن چهارم هـ.ق، متون جغرافیایی از شهر جدیدی به نام کثه در ناحیه یزد نام می‌برند که به همراه سه شهر: میبد، نایین و فهرج چهار شهر مهم ناحیه یزد را تشکیل می‌دادند و همین امر باعث شده تا بسیاری از محققین آن را همان شهر یزد بدانند. اصطخری در باب معرفی ناحیه یزد چنین می‌نویسد: «اما نواحی کوره اصطخر: ... ناحیت یزد است و آن بزرگ‌ترین ناحیت‌هاست آن طرف را و در آن شهرهای چند هست: اول کثه و آن شهر بزرگ آن اقلیم و آن ناحیت است، و میبد و نایین و فهرج و غیر از آن که درین ناحیه چهار منبر است و به هیچ ناحیتی دیگر نیست» (۱۳۷۳: ۹۱).

وی درباره کثه چنین می‌نویسد: «... و اما کثه که حومه یزد است شهری است خوش و نزه و با نعمت فراوان و راحت بی‌پایان به کناره بیابان موضع است و آب و هوای آن خوش و نزه و درست می‌باشد و تمامت روستای آن با خصب و

ارزانی و نعمت و دعت هر چه تمام‌ترند و بیشتر بنیاد خانه‌های ایشان از سنگ گل است» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۳).

ابن‌حوقل نیز همانند اصطخری، شهر کثه را یکی از چهار شهر مهم ناحیه یزد می‌داند که در حومه یزد قرار داشته است و همان توصیفات اصطخری، با اندکی تفاوت، درباره آن بیان می‌کند (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶).

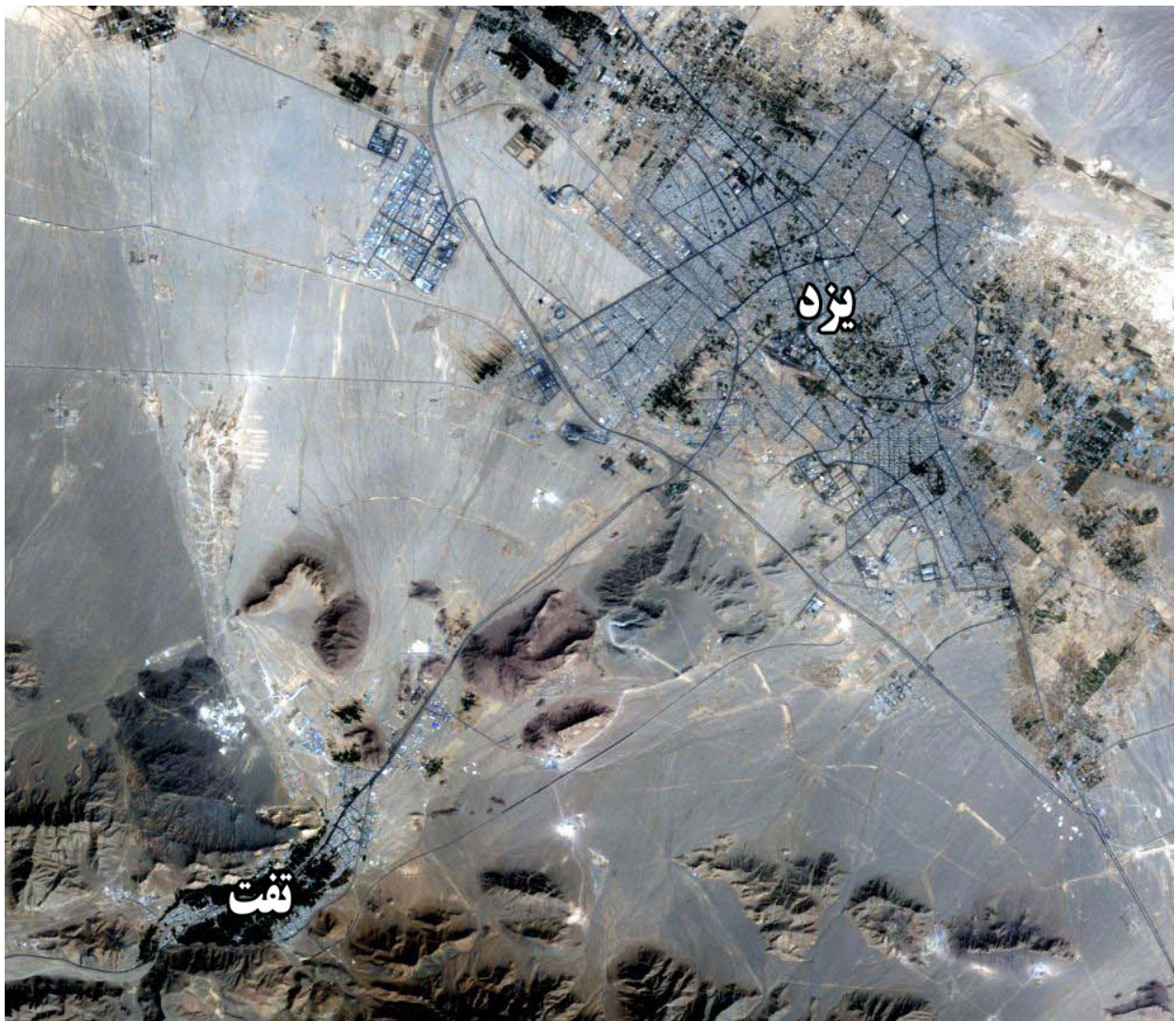
اما ذکر چند نکته ضروری به‌نظر می‌رسد: اصطخری از همان ابتدا کثه را شهری در حومه یزد می‌داند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۳) و به احتمال زیاد، منظور وی از لفظ یزد، شهر یزد است نه ناحیه یزد؛ چراکه حومه به‌جایی اطلاق می‌شود که در اطراف و گرداگرد یک شهر باشد (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه حومه). نکته دیگر این که اصطخری به روستا و یا روستاهایی اشاره می‌کند که تشکیل دهنده شهر کثه هستند. چراکه واژه تمامت به معنای جملگی، همه و همگی است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه تمامت). این نکات با استفاده از توصیفات جغرافیادانانی که در ادامه درباره آن‌ها صحبت خواهد شد، قابل اثبات است.

اما در ادامه توصیف کثه، شهری را وصف می‌کند که با توجه به اشاره‌های بیان شده و تطبیق با وضعیت جغرافیایی دشت یزد - اردکان، می‌توان آن را شهر یزد دانست: «و نیز شهری در توابع و لواحق آن هست و در آن قلعه‌ای ساخته و در آن قلعه دو دروازه آهنین کرده: یکی را باب ایزد می‌خوانند و دیگر را باب مسجد جهت آن که آن در به مسجد جامع نزدیک‌تر است و در آن شهر دو مسجد جامع است و هر دو بر کناره شهر موضع و مبنی‌اند و آب آن از کاریز بیرون می‌آید و نیز از طرف قلعه ورودی آب از دیهی بیرون می‌آید و به کناره آن شهر روانه می‌باشد و آن دیهی خوش و منزه است با خصب و نزهت و نعمت و راحت و درختان فراوان و انواع و الوان فواکه بی‌پایان چنان که چندان از انواع فواکه از آن‌جا بیرون می‌آید که در همه حوالی و نواحی نقل می‌کنند و از آن‌جا فاضل در حوالی اصفهان حمل می‌کنند و در آن‌جا معدن سرب می‌باشد و آن را روستای پهن با خصب و نزهت نیز می‌باشد و در کوه‌های آن درختان و گیاهان بسیار با منفعت می‌باشد و در تمامت آفاق از آن حمل کنند و بیرون شهر رضی است و در آن ریض خانه‌های معمور و تمام عمارت و بازارهای بسیار و غالب اهل آن به اجناس علوم خوض می‌کنند، اما غالب در نحو لغت و انشاء و کتب مشغول می‌باشند» (۱۳۷۳: ۱۱۲).

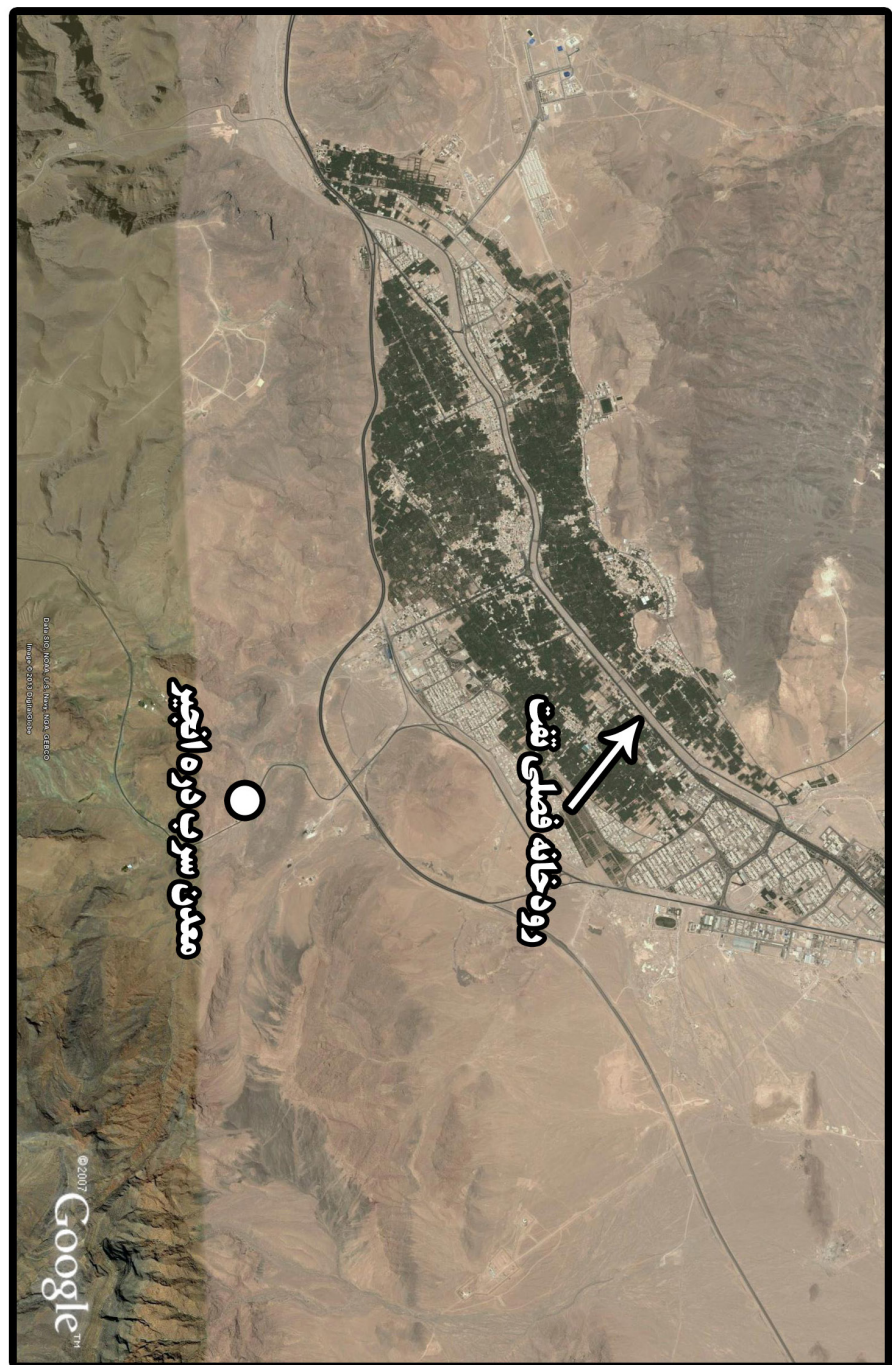
دشت یزد - اردکان یکی از مهم‌ترین حوضه‌های آبخیز استان یزد به‌شمار می‌رود که از چهار شهری که متون از آن‌ها نام برده‌اند، به‌جز شهر نایین، سه شهر دیگر در این دشت قرار داشتند. در این دشت، به‌دلیل ویژگی‌های جغرافیایی حاکم، هیچ‌گونه رودخانه دائمی وجود ندارد و تنها رودخانه فصلی آن نیز رودیست که از کوه‌های شیرکوه سرچشمه گرفته و به حوضه آبریز سیاه‌کوه می‌ریزد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ج. ۲، ۱۳۸۱: ۶). هم‌چنین یکی از معادن مهم سرب استان یزد، که تا سال ۱۳۷۱ از آن برداشت می‌شد، معدن سرب و روی دره‌انجیر است که در دو کیلومتری جنوب‌شرقی این شهر قرار دارد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۱). اگرچه این معدن امروزه متروک شده است، ولی به‌دلیل ذخایر سرب موجود در آن، که در حدود ۳۸۰۰۰۰ تن برآورد شده است، هنوز از قابلیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری برخوردار است (همان: ۷۶). بنابراین با

توجه به اشارات اصطخری و ابن حوقل، این روستا می‌تواند با شهر تفت امروزی مطابقت داشته باشد. همان‌طور که در متون بالا مشاهده می‌شود، اصطخری به رودی اشاره دارد که از دیهی بیرون آمده که دارای معدن سرب می‌باشد که به احتمال زیاد، می‌توان روستای توصیف شده را همان شهر تفت امروزی دانست. این شهر در جنوب‌غربی استان یزد و در فاصله ۲۲ کیلومتری شهر یزد واقع شده و به دلیل قرار گرفتن در دامنه‌های شیرکوه از آب و هوایی خنک نسبت به دیگر شهرهای استان برخوردار است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ج. ۲، ۱۳۸۱: ۱۸). در نتیجه، با توجه به موقعیت جغرافیای روستای تفت با شهر یزد، رودی که از این شهر بیرون می‌آمد، از مجاورت و نزدیکی آن عبور می‌کرد که در گذشته به‌منظور هدایت سیلاب‌های احتمالی، کانالی را احداث کرده‌اند که هنوز هم آثار آن در محلات مختلف شهر یزد، مانند محله چهارمنار و یا دولت‌آباد وجود دارد (تصاویر ۱-۳).

تصویر ۱: موقعیت دو شهر یزد و تفت (عکس ماهواره‌ای لندست).



تصویر ۲: موقعیت رودخانه فصلی و معدن سرب دره انجیر تفت (Google Earth).



در کتاب حدودالعالم اگرچه از چهار شهر مهم ناحیه یزد نام برده شده است ولی مؤلف تنها به ذکر نام شهرها بسنده کرده و هیچ‌گونه توضیحی را در رابطه با آن‌ها ارائه نمی‌کند (حدودالعالم، ۱۳۷۳: ۳۸۱). پس از آن مقدسی است که در ذکر شهرهای یهودیه چنین می‌نویسد: «یهودیه شهر است: خالتجان، رباط، اوردکان، سمیرم، یزد، نائین، نیاستانه، اردستان و کاشان را دارد» (مقدسی ج. ۱، ۱۳۶۱: ۶۸).

به احتمال زیاد منظور مقدسی نیز از یزد شهر یزد بوده نه ناحیه یزد؛ چراکه میباید، که یکی از شهرهای این ناحیه بوده را به‌عنوان یکی از شهرهای کوره اصطخر معرفی می‌کند (همان‌جا) و می‌توان چنین استنباط کرد که ناحیه یزد هنوز یکی از نواحی کوره اصطخر بوده است. با توجه به گفته‌های مقدسی درباره یزد می‌توان چنین استنباط کرد که پیوستگی یزد با فارس در قرون نخستین اسلامی امر ثابتی نبوده و گاه متأثر از تحولات سیاسی تغییر می‌کرده است (ابویی‌مه‌ریزی، ۱۳۸۳: ۴۱). چراکه در این دوره یزد به همراه اصفهان، کاشان، قم، نطنز و جربادگان در حیطه تصرفات مؤیدالدوله ابونصر بویه (۳۷۳-۳۶۶ هـ.ق) بوده است: «[رکن‌الدوله حسین پسر بویه] در محرم سنه ست و ستین و ثلاثمائه درگذشت او ملک عراق به پسران داده یزد و اصفهان و قم و کاشان و نطنز و جربادقان به مؤیدالدوله ابوالنصر بویه داد.» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۱۲).

نکته‌ای که در این‌جا قابل ذکر است، تأثیرپذیری جغرافیدانان از شرایط سیاسی زمان خود می‌باشد؛ چراکه در آن دوران یزد از لحاظ سیاسی یکی از شهرهای اصفهان بوده است و این وابستگی امر چندان ثابتی نبوده و پس از گذشت مدتی کوتاه باز یزد در حوضه یکی از نواحی ایالت فارس قرار می‌گیرد.

پس از مقدسی، حموی نیز، همانند پیشینیان خود، از این چهار شهر نام برده و در توصیفات خود درباره کته می‌نویسد: «کته: به تخفیف الثاء موضع به فارس و هی مدینه‌ی کوره‌ی یزد من کوره‌ی اصطخر. قال الاصطخری و من اجل المذن التی تکون بکوره‌ی اصطخر مما یلی خراسان کته و هی حومه‌ی یزد و ابرقوه و هی مدینه‌ی علی طرف البریه و لها طیب هواء و تربیه‌ی و صحه و خصب لها رساتیق تشتمل علی صحه و خصب و رخص» (ج. ۴، ۱۹۷۵: ۲۳۹).

«کته: با تلفظ بدون تشدید حرف «ث»، مکانی در فارس بوده و همان شهر کوره یزد از توابع کوره استخر می‌باشد. استخری می‌گوید: یکی از شهرهایی که زیر مجموعه کوره استخر بودند، از طرف خراسان، کته نامیده می‌شد که حومه یزد و ابرقوه می‌باشد. ابرقوه شهری در کناره خشکی است آب و هوا معتدل و خاک حاصلخیز داشته و آباد و سرسبز بوده است. این شهر دارای روستاهایی می‌باشد که سرسبزی و سلامتی و آب و هوای لطیفی در آن‌جا حکم‌فرماست.» حموی نیز مانند اصطخری کته را یکی از شهرهای حومه یزد می‌داند که دارای روستاهای زیادی بوده است. اما در ذیل واژه یزد، شهر یزد را توصیف می‌کند که همین امر نشان‌دهنده جدا بودن شهر یزد از کته بوده است: «یزد: یزد به فتح اوله و سکون ثانیه و دال مهمله مدینه متوسط بین نیشابور و شیراز و اصبهان معدوده فی اعمال فارس تم من کوره اصطخر و و اسم للناحیه و قضبتها یقال لها کته بینها و بین شیراز سبعون فرسخ» (حموی ج. ۴، ۱۹۷۵: ۱۰۱۷).

«یزد: با فتح «ی» و سکون «ز» و «د»، شهری است متوسط از نظر وسعت که در بین شهرهای: نیشابور، شیراز و اصفهان واقع شده و یکی از ایالات فارس به‌شمار می‌رود. این شهر بخشی از کوره استخر بوده و فاصله‌ی آن تا شیراز هفتاد فرسنگ می‌باشد.»

در این توصیف نیز یزد به‌عنوان یکی از شهرهای متوسط بین: نیشابور، شیراز و اصفهان معرفی شده که جزیی از کوره اصطخر بوده است. هم‌چنین نام این

شهر را بر روی ناحیه گذاشته‌اند. از طرفی دیگر، وی کنه را قصبه یزد دانسته است و در لغت‌نامه معین قصبه به معنای آبادی بزرگی است که از چندین ده تشکیل شده‌باشد (لغت‌نامه معین، ذیل واژه قصبه) که این گفته نیز به توصیف شهر کثه که دارای روستاهای زیادی بوده، قابل تطبیق است. یک قرن بعد البغدادی نیز کثه را دارای روستاهای زیادی دانسته که در حومه یزد قرار داشته است (جزء‌الثالث، بی تا: ۱۰۴۸).

شهر یزد در متون محلی

متون محلی یزد یکی از مهم‌ترین منابعی هستند که می‌توانند به شناخت نسبت به سیر تحول تغییرات به‌وجودآمده کمک شایانی کنند و در مواردی که سکوت منابع معتبر سایه سنگینی را بر روی تاریخ این شهر افکنده‌اند، زوایای تاریک بسیاری را با کمک اطلاعات بسیار خوبی که در اختیار ما قرار می‌دهند، روشن کنند.

به استناد به تواریخ محلی، شهر یزد در همان ابتدای لشکرکشی مسلمانان، به‌دست آنان فتح گردید و توسط خلفا، کارگزارانی برای اداره این شهر انتخاب گردیدند به‌طوری‌که در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام فردی به‌نام سلم بن زیاد مأمور حکومت در این شهر می‌گردد. در دوره اموی، این فرد جای خود را به علاء طوفی واگذار می‌کند (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۲). وی پس از رسیدن به قدرت، باغی را در شهر و در جایی که به آن بابله می‌گفتند (مفیدی ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۷) ایجاد کرده که به باغ علاء مشهور می‌باشد و پس از گذشت چندین قرن محله به‌نام باغ علاء شکل می‌گیرد (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۲).

در دوره عباسی، ابومسلم خراسانی یکی از سرداران خود را به‌نام احمد زمجی به حکومت یزد منسوب کرد. وی پس از رسیدن به این شهر علاء طوفی را دستگیر و به قتل می‌رساند. وی قصر فرماندار اموی را تخریب و به جای آن قصر دیگری را برای خود بنا می‌کند (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۳؛ کاتب، ۱۳۴۵: ۵۶؛ مفیدی ج. ۱، ۱۳۸۵: ۳۷) که ساخت همین قصر خود مبنایی برای شکل‌گیری برخی از محلات در داخل شهر یزد می‌گردد که اگرچه در این مورد تناقضات و اختلاف‌هایی در بین متون محلی وجود دارد، ولی همه آن‌ها به‌شکل‌گیری این محلات اذعان دارند. به‌طور مثال: جعفری در این باره می‌نویسد: «... و قصر علاء را بکند و قصر دیگری بنا کرد در یزد که امروز به مردآباد مشهور است و آن احمدآبادست و مال جهت بنی‌عباس از یزد بستد و بکوفه نزد ابوالعباس سفاح برد» (۱۳۸۹: ۳۳). یکی از مهم‌ترین بناهای شهر یزد، که از لحاظ تاریخی نیز می‌تواند دارای اهمیت بسیار زیادی باشد، مسجد فرط است که در محله دارالشفاء واقع شده‌است (میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۹). در برخی از متون تاریخ محلی از آن با عنوان مسجد پتک نیز نام برده‌اند (کاتب، ۱۳۴۵: ۵۶). اما براساس اشاراتی که ذکر می‌کنند می‌توان توصیفات را بر مسجد امروزی فرط منطبق دانست. این مسجد از جمله مساجدی است که در قرون اولیه هجری توسط احمد زمجی احداث شده است: «و [احمد زمجی] برابر حمام مولانا خضر علیه‌الرحمه قرب دروازه مهریچرد مسجدی ساخته آن را مسجد پتک خوانند و آن مسجد هم از عمارت اوست» (کاتب، ۱۳۴۵: ۵۶).

در متون یزد نیز ذکر شده که امام رضا علیه‌السلام هنگام عزیمت خود به سمت توس و اقامت در شهر یزد، در این مسجد نماز گزارده‌اند؛ به‌همین دلیل در دوره صفوی اتاق کوچکی را به‌عنوان قدمگاه آن حضرت احداث کرده که درب ورودی آن دارای تاریخ ۹۳۷ هـ.ق است (مستوفی بافقی ج. ۳، ۱۳۳۰: ۶۵۱ و میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

همچنین بنای بقعه دوازده امام، که در محله فهادان واقع شده، با تاریخ ۴۲۹ هـ.ق یکی از قدیمی‌ترین آثار موجود در بافت تاریخی شهر یزد می‌باشد (ابویی، ۱۳۸۸: ۱). علاوه‌بر این بنا، آثاری از یک بنای قدیمی نیز در نزدیکی مسجد جامع شهر یزد قرار دارد که می‌تواند یکی از نشانه‌های وجود شهر یزد در دوران صدر اسلام باشد (Siroux, 1947: 172).

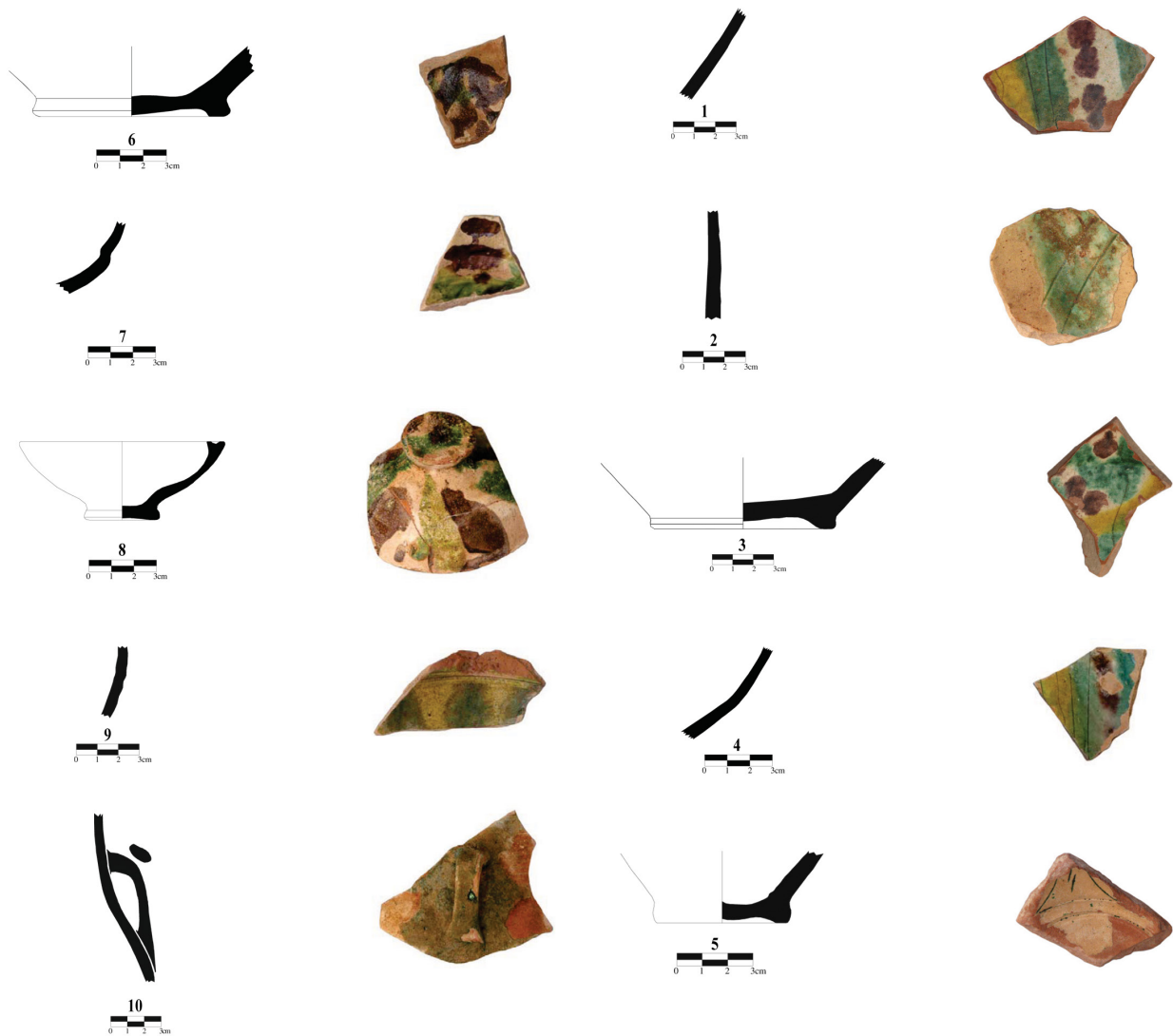
داده‌های باستان‌شناسی

از سال ۱۳۸۳ و با شکل‌گیری پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد، سه فصل گمانه‌زنی باستان‌شناسی طی سال‌های ۱۳۸۶ - ۱۳۸۴ هـ.ش در محلات مختلف بافت تاریخی مانند: فهادان، دارالشفاء، چهارسوق، وقت‌الساعت و لب‌خندق توسط بخش باستان‌شناسی انجام شد که داده‌های فرهنگی بسیار زیادی از این فعالیت‌ها به‌دست آمد. هدف اصلی این کاوش‌ها، دست‌یابی به هسته اولیه شکل‌گیری شهر تاریخی یزد و ارائه گاهنگاری مستدل بر اساس داده‌های باستان‌شناسی بود. (کاظم‌نژند، ۱۳۸۸: ۶۱). بخش زیادی از مواد فرهنگی به‌دست آمده، داده‌های سفالی تشکیل می‌دهند که گونه‌های مختلفی را شامل می‌شوند. از جمله این گونه‌ها می‌توان به سفال لعاب‌پاشیده، سفال گونه قلم‌سیاه (۱)، سفال مینایی (۲)، سفال سفیدآبی، سلادن (۳) و ظروف نوع کرمان (۴) اشاره کرد که برخی از آنان مانند سفال قلم‌سیاه از تنوع بسیار زیادی برخوردارند. از دیگر نتایج قابل‌ذکر کشف شواهدی از تولید سفال مانند جوش کوره، سه پایه‌های کوره سفال‌گری و شواهدی از کارگاه‌های تولید سفال است (همان، ۶۹).

یکی از مهم‌ترین گونه‌های سفالی به‌دست آمده، سفال لعاب‌پاشیده است که از محلات گوناگونی مانند فهادان، وقت‌الساعت و دارالشفاء به‌دست آمده‌اند. (همان: ۹۸). این سفال‌ها، اکثراً دارای خمیره نخودی مایل به قرمز بوده که از لعاب‌های سبز، زرد و قهوه‌ای روی آن‌ها استفاده شده و از لحاظ فرم، بیشتر شامل اشکال مختلف کاسه، پیاله و بشقاب هستند. سفال‌ها چرخ‌ساز بوده و از پوشش گلی نخودی و سفید برای ساخت آن‌ها استفاده شده است. نمونه‌های قابل‌مقایسه این سفالینه‌ها را می‌توان در آثار سفالین حاصل از کاوش‌های مراکز پیرامونی یزد مانند غبیرای کرمان (Bivar, 2000: pl 78) ملاحظه کرد که در فاصله‌ی قرون سه تا پنج هجری تاریخ‌گذاری شده‌اند (Ibid: 130).

از گونه‌های سفالی دیگر این محوطه که به این دوره قابل تاریخ‌گذاری هستند، برخی انواع سفالینه‌های معروف به اسگرافیاتو است. این نمونه‌ها نیز دارای خمیره نخودی بوده که از لعاب‌های سبز، زرد و قهوه‌ای روی آن‌ها استفاده شده است. سفال‌ها چرخ‌ساز بوده و از پوشش گلی نخودی و سفید برای ساخت آن‌ها استفاده شده و از لحاظ فرم بیشتر شامل اشکال مختلف کاسه، پیاله و

بشقاب هستند (کاظم نژند، ۱۳۸۸: ۹۹). نمونه‌های قابل مقایسه با این‌گونه نیز از کاوش‌های غیرا به‌دست آمده (Bivar, 2000: Pl 84 – Pl 85) که حفار، آن‌ها را مربوط به اواخر دوره سامانی یا اوایل سلجوقی تاریخ‌گذاری کرده‌است (Ibid: 139). نمونه‌های قابل مقایسه دیگر نیز در موزه متروپولیتن (Jenkins, 1983: 11) و آشمولین (Allan, 1991: 13) وجود دارند که به قرون سه تا پنج هـ ق تاریخ‌گذاری شده‌اند (طرح ۱ و جدول ۱).



طرح ۱: برخی از نمونه سفال‌های لعاب پاشیده و اسگرافیاتوی به‌دست آمده از شهر یزد (کاظم نژند، ۱۳۸۸).

جدول ۱: مشخصات برخی از نمونه سفال‌های لعاب پاشیده و اسگرافیاتوی به‌دست آمده از شهر یزد (کاظم نژد، ۱۳۸۸)

شماره	گونه	خمیره			پوشش		تزیین	شیوه ساخت	توضیحات
		رنگ	کیفیت	تمبر	بیرونی	درونی			
۱	کاسه	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	نقش کنده زیر لعاب	چرخ ساز	—
۲	—	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	نقش کنده زیر لعاب	چرخ ساز	—
۳	کاسه	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	نقش کنده زیر لعاب	چرخ ساز	—
۴	—	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	نقش کنده زیر لعاب	چرخ ساز	—
۵	کاسه	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	نقش کنده زیر لعاب	چرخ ساز	—
۶	کاسه	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	—	چرخ ساز	—
۷	—	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	—	چرخ ساز	—
۸	پیاله	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	—	چرخ ساز	—
۹	—	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	—	چرخ ساز	—
۱۰	کوزه	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	—	چرخ ساز	—

نتیجه‌گیری

اگرچه متون جغرافیایی آشکارا به نام شهر یزد در دوران صدر اسلام اشاره ندارند ولی با توجه به اشارات آن‌ها و قرائن ذکرشده و تطبیق آن با شرایط جغرافیایی دشت یزد - اردکان می‌توان به وجود این شهر پی برد. چراکه تنها رودخانه موسمی این دشت، از کوه‌های تفت سرچشمه می‌گیرد. این رود از تفت گذر کرده و به دلیل موقعیت جغرافیایی شهر یزد با تفت، از کنار این شهر عبور می‌کرد که امروزه مسیر گذر آن در شهر یزد قابل مشاهده است. شاید بتوان یکی از دلایل وجود این شهر را وجود شاهراه ری به کرمان دانست که امروزه یکی از محورهای مواصلاتی مهم به‌شمار می‌آید.

متون تاریخ محلی نیز به وجود شهر یزد در دوران صدر اسلام اشاره دارند حتی شکل‌گیری برخی از محلات آن را به دوران مذکور منسوب می‌کنند. در گمانه‌زنی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته نیز شواهدی از سفال لعاب‌پاشیده و اسگرافیاتو به دست آمد که با توجه به نمونه‌های مشابه به قرون سه تا پنج هـ.ق تاریخ‌گذاری می‌شوند. همچنین با گسترش فعالیت‌های باستان‌شناختی، می‌توان اطلاعات جدیدی را درباره شهر یزد در این دوران به دست آورد.

نکته دیگر این‌که کثه را نمی‌توان با شهر یزد مرتبط دانست چراکه جغرافیدانان آشکارا کثه را مجموعه‌ای از روستاهای مختلف می‌دانند که شهر یزد در حومه آن قرار داشت. امروزه، به دلیل کمبود داده‌های باستان‌شناسی نمی‌توان با اطمینان درباره موجودیت و جایگاه کثه در دشت یزد - اردکان صحبت کرد ولی شاید بتوان آن را با دهستان رستاق مرتبط دانست. چراکه رستاق از همان ابتدا از مجموع چندین روستا تشکیل شده بود و در فاصله بین شهر یزد و میبد قرار داشت. این ناحیه با تعریف جغرافیدانان از کثه تطابق بیشتری دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱: سفال قلم‌سیاه: یکی از گونه‌های سفالی است که در قرن ششم و هفتم هـ.ق رایج گردیده و نقوش را به رنگ سیاه با تکنیک نقاشی زیر لعاب تزیین می‌کردند. در این شیوه از لعاب‌هایی به رنگ فیروزه‌ای، سبز و شفاف استفاده شده است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۷۱)

۲: سفال مینایی: یکی از فنون تزیین سفال در قرن ششم و هفتم هـ.ق است که به هفت رنگ نیز معروف است. در این روش از خمیر شیشه یا خاک چینی استفاده شده و ظرف را با تکنیک نقاشی روی لعاب تزیین می‌کنند. نقوش ظروف مینایی معمولاً از داستان بیژن و منیژه الهام گرفته‌اند و شامل موضوعاتی همچون ابراز عشق بیژن به منیژه با تقدیم دسته گل، دست‌گیری بیژن به دست غلامان و ... می‌باشند (همان: ۲۷۹)

۳: سلادن: یکی از گونه‌های سفالی است که از شرق دور وارد ایران شده و در دوره صفویه از رواج زیادی برخوردار بود. این سفال‌ها به تقلید از ظروف چینی در ایران ساخته می‌شدند و از دوره ایلخانی و تیموری در ایران رواج یافت. نمونه‌های اولیه این ظروف قابل مقایسه با ظروف لعاب سبز بود و حتی در برخی از نمونه‌ها، برخلاف نمونه‌های چینی، سبک و با ظرافت ساخته شده‌اند (محمدی‌فر و بلمکی، ۱۳۸۷: ۹۵).

۴: ظروف نوع کرمان: نوعی از سلادن کرمان است که دارای تزیینات رنگی به رنگ سفید و نقاشی قرمز و آبی است که در پایان لعابی روشن و شفاف روی آن را می‌پوشاند. این کار تقلیدی از آن چین بود. ظروف چندرنگ موسوم به کرمان دارای نقاشی روشن، سبز و قرمز روی زمینه سفید است. دو نمونه تاریخ‌دار از ظروف چند رنگ کرمان در مجموعه خصوصی نیویورک موجود است که تاریخ ۱۰۴۲ و یک بشقاب در مجموعه گلدمن ۱۰۸۳ را نشان می‌دهد (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۸۷ و ۲۸۸).

کتابنامه

- آیتی، عبدالحسین، ۱۳۱۷: تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، یزد، چاپخانه گلپهار، چاپ اول.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵: صورہ الارض، ترجمه و تصحیح: دکتر جعفر شعار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ۱۳۷۰: مسالک و ممالک، ترجمه: دکتر حسین قره‌چانلو، چاپ اول.
- ابوی مہر یزی، محمدرضا، ۱۳۸۳: سادات نعمت اللہی یزد در عصر صفوی، ناشر: واحد نشر بنیاد ریحانہ الرسول، چاپ اول: بہار.
- ابوی، رضا، ۱۳۸۸: ہزار سال استواری، یزد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- اصطخری، ابواسحق ۱۳۷۳: مسالک و ممالک، ترجمه: اسعد بن عبد اللہ تستری، بہ کوشش: ایرج افشار، تهران، مجموعہ انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی .
- افشار، ایرج، ۱۳۷۴: یادگارہای یزد ج. ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۵۸: تذکرہ جغرافیایی ایران، ترجمہ: حمزہ سردادور، انتشارات توس، چاپ دوم.
- البغدادی، یصفی الدین عبد المؤمن بن عبد الحق، بی‌تا: مراد الاطلاع علی الامکنہ و البقاع الجزء الثالث، تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی، دارالحیاء الکتب العربیہ.
- پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۷۰: راہ و رباط، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، انتشارات آرمین.
- توحیدی، فائق، ۱۳۷۹: فن و هنر سفالگری، تهران، انتشارات سمت.
- جعفری، جعفر بن محمد، ۱۳۸۹: تاریخ یزد، بہ کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب.
- حسینی، سیدہادی، محمد عطایی، رضا خالوکا کوی، ۱۳۸۸: «اولویت بندی بہرہ برداری از معادن سرب و روی زیرزمینی متروکہ استان یزد با استفادہ از روش تسلط تقریبی»، نشریہ علمی-پژوہشی مہندسی معدن، دورہ چہارم، شمارہ ہشتم، ۶۷ تا ۷۶.
- حموی، یاقوت، ۱۹۷۵: معجم البلدان ج. ۴، بیروت.
- دہخدا، علی اکبر: لغت نامہ دہخدا.
- سازمان جغرافیایی نیروہای مسلح ۱۳۸۱: فرہنگ آبادی های استان یزد ج. ۲،

- انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
- شواتس، پاول، ۱۳۷۲: جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه: جهاننداری کیکاوس، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۱۳۴۵: تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- کاظم‌نژند، ابراهیم، ۱۳۸۸: بررسی صنعت سفال‌گری شهر یزد در دوره اسلامی بر اساس داده‌های باستان‌شناسی شهر یزد، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر حمیده چوبک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- لسترنج، گای، ۱۳۸۶: جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.
- محمدی‌فر، یعقوب، و بلمکی، بهزاد، ۱۳۸۷: «هنر سفال‌گری در دوره صفویه، بررسی تکنیک و نقش مایه‌های هنری»، نشریه هنرهای زیبا، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳۵، ۱۰۲-۹۳.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۴: تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، ۱۳۸۵: جامع مفیدی ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- مسرت، حسین، ۱۳۷۶: یزد یادگار تاریخ، یزد: تهران، انجمن کتابخانه‌های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، چاپ اول.
- معین، محمد: فرهنگ معین.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد ۱۳۶۱: احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علی‌نقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران .
- میرخلیلی، صفورا، ۱۳۶۱: مطالعه و مستندسازی مسجد فرط، شهرستان یزد، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد (منتشر نشده).
- ناشناس، ۱۳۷۳: حدودالعالم من المشرق الی المغرب، به تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۲۵۳۶: البلدان، مترجم: دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- Allan, J. W. 1991. Islamic ceramics. Ashmolean Museum Oxford.
- Bivar, A. D. H., Fehervari, G., Baker, P. L., Errington, N., Shokoohy, M., Errington, E., & Tyler-Smith, S. 2000. Excavations at Ghubayrā, Iran. School of Oriental & African Studies.
- Bosworth, C. E. (Ed.). 2007. Historic cities of the Islamic world (Vol. 1). Brill.
- Jenkins, M. 1983. Islamic pottery: a brief history (Vol. 40, No. 4). Metropolitan Museum of Art.
- Lane, A. 1947. Early Islamic Pottery: Mesopotamia. Egypt and Persia, London, 13.
- Siroux, Maxime, 1947. La Masjid-e-Djum'a de Yezd, Bulletin de l'Institut Français d'Archéologie Orientale, vol 44, 119-76.

splashed and sgraffito decorated potteries. Splashed wares have buff fabric covered with white or buff slip. Their shapes including bowls, dishes and cups and splashed with green, brown and yellow slip and glaze. This kind of pottery is comparable with some peripheral sites like Ghubayrā, Kerman. Sgraffito wares, like splashed wares, have buff fabric covered with white or buff slip. Their shapes including bowls, dishes and cups. Designs incised through a white slip under a yellowish transparent glaze, splashed with green, brown and yellow. Mashhad-i Davazdah Imam was built by Abu Saeed and Abu Ya'ghoub, both military governors of Kakuyid ruler Ala-al Doleh Faramarz. Its inscription has 429 AH dating and has become the oldest monument of the city of Yazd. Also, the local texts said that Imam Reza prayed in the Fort mosque in Daro al-Shfa community, which has built a monastery memorizing his presence later on during Safavid period. These reasons shows that the city of Yazd existed in the early Islamic period. When Muslim geographers speak about Kasah, they said this city composed of several villages which city of Yazd was located on its suburbs. For this reason, it cannot be said a city. On the other hand, the local text said this city was founded by Alexander the Great after conquering the Achaemenid Empire and prisoners accommodated in. After construction of the city of Yazd, people left Kasah and settled in Yazd; while On the basis of geographical texts like Masalik al-mamalik or Suwar al-aqālīm, Kasah is an Islamic city in Yazd region. These are existing contradictions between the local text and geographical. Perhaps rostagh dehestan is the same Kasah, because this dehestan composed of several villages dates back from early Islamic period and is consistent with the descriptions of geographers from Kasah.

Keywords: Yazd, Kasah, Local Texts, Geographical Texts, Archaeological Data

Early Islamic Period Based on the Written Documents and the Role of Yazd City in the Archaeological Data

Mohammad Mortezaei

Iranian Center for Archaeological Research
m_mortezayi2008@yahoo.com

Seyyed Fazlollah Mir-Dehghan Ashkezari

Ph.D. Candidate of Islamic Archaeology, Bu Ali-Sina University, Hamadan

Received 2013/05/31 - Accepted 2014/04/15

Abstract

One of the most important problems on the city of Yazd in the early Islamic period, is the silent geographical and historical resources. Because when texts dealing with Yazd region, they are mentioned Naein, Meybod, Kasah and Fahraj as four major cities of this region which had jame mosque, but they are not called the city of Yazd. This has caused that many researchers called the city of Yazd as Kasah and after several centuries Yazd has replaced.

Based on a careful study of the geographical texts, can we know the city of Yazd? This is the first studying question posed in this article. Second question is about Kasah city. Is Kasha the same with city of Yazd? Although geographical texts are silent about city of Yazd, but we can find signs about this city in the early Islamic period. When geographical texts speak of Kasah, they refer to a city located on the suburbs. The river run through the described city which originated from a mountain village. The village, also had a lead mine. The village has good weather and the fruit trees. This city has a castle with two jame mosque and its water source was from qanat. If we adapt these descriptions with geographical conditions of Yazd – Ardakan plain, we can understand the existence of city of Yazd. Because Taft river is the only river of yazd – ardakan plain which after passing through the city of Taft, flows through the city of Yazd. Moreover, Taft had a lead mine which is not used about twenty years. The local texts mentioned that Yazd was composed of several communities like Fahadan, Kooshk - e - no and was conquered by the Muslims in the early Islamic period. The archaeological excavations carried out on the historical context of city of Yazd, potteries which were found and are dating the 3rd to 5th centuries AH. These potteries consists of